



تبیین سیمای امام رضا علیه السلام بر مبنای تحلیل

محتوایی روایت‌های رضوی

(مورد پژوهشی: کتاب منتهی الآمال شیخ عباس قمی)

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۹ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۴

علی اکبر محسنی^۱، فرشته جمشیدی^۲

چکیده

مجموعه گران سنگ منتهی الآمال تألیف شیخ عباس قمی که از مصادر مهم تشیع در تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به‌شمار می‌رود، محور اصلی بحث‌های این کتاب، احوال شخصی، مختصری از مناقب و فضایل و دیدگاه‌های اهل بیت علیهم السلام است. از این میان، امام رضا علیه السلام به لحاظ هم‌عصر بودن با اوج‌گیری اختلافات و بحران‌های سیاسی در ماجرای ولایت‌عهدی در دستگاه مأمون عباسی، نقش بسزایی در این باره برعهده داشته‌اند. این کتاب در بخشی مجزا به تبیین سیمای ایشان پرداخته است. نویسندگان در این مقاله بر آن بوده‌اند با مطالعه روشمند و تحلیل محتوایی گزاره‌های اخلاقی تربیتی امام رضا علیه السلام در فرازهای مختلف این کتاب، به تبیین نقش کارکردی این روایات به‌عنوان ابزار دینی در زمینه اهداف تربیتی جامعه بپردازند. چراکه برای تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، لازم است به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخته شود. جمع‌بندی کلی از فضای حاکم بر این روایات، تجزیه و تحلیل داده‌ها، ارائه الگویی جامع برای اثبات نظام‌مند این روایات و کشف الگوهای تربیتی امام رضا علیه السلام در غنی‌سازی فرهنگ رضوی در جامعه از دیگر اهداف این جستار به‌شمار می‌رود.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی تحلیلی و با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای و نیز بررسی محتوایی در قالب‌های بیانی و جهت‌گیرانه است. بدین گونه که با تجزیه و تحلیل نظام حاکم بر این روایات، به کشف راهکارهای تربیتی و بومی سازی آن‌ها در جامعه همّت‌گمارده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: روایات امام رضا علیه السلام، منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، تحلیل محتوا.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول): mohseni0310@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی: fereshtehjamshidi1992@gmail.com

مقدمه

حاج شیخ عباس قمی (۱۲۵۴-۱۳۱۹ ش) از شیفتگان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. کتاب منتهی الآمال از تألیفات این عالم ربّانی است که پرداختن به سیره والای اهل بیت (علیهم السلام) آن را زینت بخشیده است. باب هشتم از این مجموعه گران سنگ، به روایاتی از پیشوای هشتم شیعیان از قول عالمانی چون شیخ کلینی، ابن بابویه، شیخ طبرسی، ابن شهر آشوب، علامه مجلسی، ریّان بن صلّت، محمد بن فحّص و... پرداخته است. این اثر به دلیل پرداختن به روایات مستند چهارده معصوم (علیهم السلام) از قول راویان معتبر می‌توان از منابع معتبر شیعه به‌شمار آورد. اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مطالعات علوم اسلامی کوشیده‌اند به بازشناسی سخنان گهربار ائمه اطهار (علیهم السلام) و بررسی مبانی و اصول دیدگاه ایشان بپردازند، اما آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر شرح و تفسیر احادیث منقول از آنان همراه با همراه با شرح حال و سیره‌نگاری و سیره‌نگاری بوده است. این در حالی است که به‌نظر می‌رسد، لازم است برای تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخت، چرا که «به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی سخنان او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آن‌هاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت.» (جانی پور و سروری مجد، ۱۳۹۳: ۵۴).

این مقاله قصد دارد با بررسی مضامین روایات منتخب از امام رضا (علیه السلام) در کتاب منتهی الآمال به روش تحلیل محتوا، ابتدا جمع‌بندی کلی از فضای حاکم بر این روایات ارائه کند و سپس به تجزیه و تحلیل آن‌ها در راستای بسط فرهنگ و تعالیم والای رضوی بپردازد. ضرورت انجام چنین تحقیقاتی را می‌توان در بسط وجوه اخلاقی تربیتی این مسائل و الگوپذیری از ائمه در جامعه و نیز غنی‌سازی فرهنگ ایشان جست‌وجو کرد.

کاربرد عملی این بررسی نیز آن است که چون روایات بررسی شده از امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان گفتار فردی و از امام صادر شده و کلام ایشان در حقیقت، تبیین‌کننده اصول دین و سنت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام است، به مدد این روش می‌توان به مبانی و اصولی

دست یافت که راه‌گشای سعادت بشری و نجات جامعه اسلامی از بحران‌های روحی باشد که مولود شناخت ناقص و درک سطحی از مختصات فکری ائمه (علیهم السلام) و برخی الگوهای نادرست غربی است.

رهاورد استفاده از این روش، ارائه الگویی جامع برای اثبات نظام‌مند بودن مفاهیم اخلاقی اجتماعی سیره رضوی در ابعاد هدایتگری جامعه است. این جستار درصدد پاسخگویی به این سؤال است که عمده‌ترین درون‌مایه دینی روایات منتهی‌الآمال در باب امام رضا (علیه السلام) حول چه موضوعاتی است؟ به این منظور، نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند با بررسی مضامین این روایت‌ها به روش تحلیل محتوا، ابتدا به جمع‌بندی کلی از فضای کلی این روایت‌ها دست یابند. سپس به تجزیه و تحلیل الگوهای تربیتی منطبق در راستای ایجاد و ترویج سبک زندگی والا در جامعه پردازند.

دلیل برگزیدن روش تحلیل محتوا در تبیین این روایات، همان‌طور که پیشتر بدان پرداخته شد، کشف الگوهای تربیتی امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان میراث‌دار سنت پیامبر و دین مبین اسلام و نیز وامدار مکارم اخلاقی اهل بیت (علیهم السلام) است. یکی از قابلیت‌های روش مذکور این است که مفاهیم، مضامین و مقوله‌های به‌دست آمده در خلال نمونه‌های فراوانی ارائه شده است.

۱. بیان مسئله

ادبیات روایی شاخصه‌های ساختاری و محتوایی بارزی دارد که بن‌مایه اصلی این نوع ادبی را ساخته است. این گونه ادبی، به لحاظ داشتن قابلیت‌های اثرپذیری بهتر در ذهن مخاطب، گامی مهم در جهت نشر معارف دینی و نیز حفظ فرهنگ دینی محسوب می‌شود. از این میان، الگوپذیری از اهل بیت (علیهم السلام) از دیرباز، از بنیان‌های فکری نویسندگان در خلق آثار نغز و دلکش محسوب شده و توجه آن‌ها را به خود معطوف داشته است؛ بنابراین اهتمام به مطالعه و استخراج مفاهیم اخلاقی در سیره و سنت ایشان در دستور کار

نویسندگان متعهد قرار گرفته است. به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راه‌گشای فهم عمیق کلام معصومان (علیهم‌السلام) باشد، تبیین دیدگاه و مبانی نظری ائمه (علیهم‌السلام) از خلال تجزیه و تحلیل کلام ایشان برای رسیدن به درکی جامع از دیدگاه‌ها و مبانی اعتقادی آنهاست. به این منظور، برای بررسی، استخراج و مقوله‌بندی گزاره‌های اخلاقی در روایات رضوی موجود در کتاب منتهی‌الآمال^۱، از روش تحلیل محتوا بهره گرفته‌ایم.

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه لزوم تبیین هرچه دقیق‌تر مبانی فرهنگ رضوی در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا دستیابی به این امر، شبکه مفهومی ویژه‌ای را ترسیم می‌کند و نویدبخش باب‌های جدید در حوزه اخلاق پژوهی حدیثی به‌شمار می‌آید (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

آنچه اندیشمندان مسلمان را به تأمل و تعقل در سبک زندگی اسلامی واداشته، تأثیر سوء فرهنگ غربی در زندگی اسلامی است. چرایی آن را می‌توان در دوری از سیره درس آموز و انسان‌ساز اهل بیت (علیهم‌السلام) در آثار روایی جست‌وجو کرد. چراکه در طی سال‌های اخیر آثار روایی و سینمایی غربی، بخش وسیعی از زندگی‌های ماشینی را به خود اختصاص داده و کانون توجه خانواده‌ها به‌ویژه نسل جوان، واقع شده است. در مواردی هم زمینه انحراف جوامع را فراهم آورده است که ضرورت پرداختن بیشتر به چنین پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

این جستار درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

۱. دلیل انتخاب این کتاب برای جستار پیش‌رو، این است که آن را منبع جامعی برای پیاده کردن تعالیم درس آموز و انسان‌ساز رضوی در آینده روایت‌ها یافتیم. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، این اثر گوشه‌ای از سیره چهارده معصوم (علیهم‌السلام) می‌آید و در کنار آثار دیگر، حقیقت شناسنامه الگوپذیری و پیروی از مکتب والای اهل بیت (علیهم‌السلام) برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی در عصر حاضر است.

عمده‌ترین درون‌مایه دینی روایات منتهی‌الآمال در باب امام رضا (علیه السلام) حول چه موضوعاتی است؟

کدام مضمون در این روایات، بیشترین بسامد را داشته است؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

۱. روش تحلیل محتوا یکی از روش‌های نوین و نظام‌مند در مواجهه با متون روایی است که کاربست آن در متون دینی در این دهه، گامی نوین محسوب می‌شود.

۲. از آنجا که پژوهشگران در تحلیل متون حدیثی، بدون هیچ پیش‌داوری به تحلیل این متون می‌پردازند، این روش چنین قابلیت‌هایی را دارد تا برای ماهیتی مشخص و مفاهیم معین به کار گرفته شود. پس منظور از تحلیل کمی در این جستار فراوانی کلیدواژه‌ها، جهت‌گیری‌ها و مضامین اصلی محتواست که منجر به پدید آمدن شاخصه‌هایی برای تحلیل کیفی روایات رضوی، از مجموعه روایات کتاب گران‌سنگ منتهی‌الآمال شده است.

۱-۴. پیشینه پژوهش

با بررسی و جست‌وجوی کتابخانه‌ای در مجله‌ها و سایت‌های معتبر این نتیجه حاصل شد که تاکنون هیچ کتاب و پژوهشی درباره «تبیین سیمای امام رضا (علیه السلام) بر مبنای تحلیل محتوایی روایات‌های کتاب منتهی‌الآمال»، به رشته تحریر درنیامده است.

چنان‌که پیداست برخی پژوهشگران به ذکر بعضی از این مؤلفه‌های اخلاقی تربیتی در سیره امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند. از میان آن‌ها می‌توان به این آثار اشاره کرد: قبله هفتم شامل آثار شاعران درباره امام رضا (علیه السلام) از مشفق کاشانی و محمود شاهرخی (۱۳۷۷)، با موضوع اشعار رضوی با مضامین عرفانی مذهبی است و کتاب مدایح رضوی در شعر فارسی از احمد احمدی بیرجندی و علی تقوی زاده (۱۳۷۷) که اشعار رضوی را از قرن ششم تا عصر حاضر گرواری کرده است. سبحانی نیا (۱۳۹۰) در مقاله «آثار تربیتی و روان-

شناختی دعا»، به بررسی ابعاد روان‌شناختی و تربیتی آثار دعا پرداخته است. جانی‌پور و سروری مجد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای دعاهای صحیفه رضویه» به شیوه تحلیل محتوا در قالب‌های بیانی، به استخراج و طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل ادعیه‌های رضوی پرداخته است. مقاله «بازتاب بنیادهای اخلاق اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در شعر متعهد عربی و فارسی» از دکتر بهمن هادیلو (۱۳۹۴)، به کشف بنیادهای اخلاق اجتماعی در پرتو شعر عربی و فارسی پرداخته است. معتمدی و فتاحی زاده (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای احادیث رضوی در موضوع «بخل» با رویکرد تربیت اخلاقی»، به استخراج، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی موضوع بخل در روایات ارائه شده در باب امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند.

در باب بررسی تحلیل محتوای احادیث، دعاها و روایات رضوی می‌توان به مقاله احدیان و فتاحی زاده (۱۳۹۷)؛ با عنوان «تحلیل محتوای روایت رضوی درباره ویژگی‌ها و شاخصه‌های امامت الحجة کافی»، به شیوه تحلیل محتوا به بررسی ادعاهای مطرح شده در باب روایات امام رضا (علیه السلام) در کتاب الحجة مرحوم کلینی پرداخته‌اند، اما با این اوصاف تاکنون پژوهشی روشمند که بتواند به تجزیه و تحلیل کلام امام رضا (علیه السلام) برای رسیدن به درکی جامع از ایشان در روایات منتهی‌الآمال به شیوه تحلیل محتوا بپردازد، انجام نشده است. بنابراین، لزوم انجام چنین پژوهش‌هایی را می‌طلبد. به این منظور، نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند تا بدون هیچ پیش‌داوری به تحلیل این روایات بپردازند، چراکه این روش این قابلیت را دارد تا برای ماهیتی مشخص و مفاهیم معین به کار گرفته شود؛ بنابراین، منظور از تحلیل کمی در این جستار فراوانی کلیدواژه‌ها، جهت‌گیری‌ها و مضامین اصلی محتواست که منجر به پدید آمدن شاخصه‌هایی برای تحلیل کیفی روایات رضوی، از مجموعه روایات کتاب گران‌سنگ منتهی‌الآمال شده است. امید است نتایج و دستاوردهای حاصل از آن راهگشای دیگر پژوهشگران ادبیات روایی باشد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

روایت‌های دینی به‌عنوان بخشی از گنجینه ادبی و فرهنگی ما شامل قصه‌های قرآنی، داستان‌های مذهبی و تاریخ انبیا و اولیاست. یکی از خلأهای پژوهشی و آموزشی در حوزه‌های تربیتی، فقدان مواجهه ناب و استفاده مستقیم از معارف اهل بیت (علیهم السلام) است. از آنجا که «سبک زندگی به‌عنوان تجلی عینی اندیشه‌ها و عقاید، تأثیر فراوانی نیز بر عقاید و اندیشه‌ها و به خصوص صفات انسانی دارد و از این رو شکل‌گیری خلق و خو و نگرش‌ها عموماً متأثر از سبک زندگی است» (هندی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۸). سیره و فرهنگ رضوی رویکردی را در ادبیات روایی مطرح کرده که لازمه بررسی آن نگرشی کاملاً فرهنگی به ادبیات روایی است. در دوران معاصر با توجه به ظهور استعمار جدید و فشار امپریالیسم بر مکتب تشیع و به تبع آن آغاز بیداری اسلامی در کشورهای مختلف، آثار شیعی نیز رونق خاص خود را پیدا کرده است. از دیگر سو، می‌توان علت افزایش روند ابتلا به جرم و جنایت در جهان امروز را در غفلت از دین و مکتب اخلاقی اسلام و مسئله دوری یا نزدیکی آنان به کفر^۱ و دین جست‌وجو کرد. ادیبان و عالمان زیادی در اقصی نقاط جهان به دفاع از آرمان‌های این مکتب و ترسیم مظلومیت شیعه و پیشوایان آن برخاستند که از جمله این عالمان می‌توان به «شیخ عباس قمی» اشاره کرد که دارای آثار بسیار زیبا با عاطفه‌ای جوشان از عشق اهل بیت (علیهم السلام) است. غالب آثار وی را مدح امامان بزرگوار و اهل بیت (علیهم السلام) تشکیل می‌دهد. آثار این ادیب، از یک سو بیانگر حبّ وی به اهل بیت (علیهم السلام) و از سوی دیگر نشان‌دهنده آگاهی دینی بالای ایشان به‌ویژه در وادی مفاهیم رضوی است. این پژوهش به تبیین جایگاه امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان اسوه‌ای تام در آثار متعهد با تکیه بر رویکرد روایی پرداخته است. از این رو، در این جستار، برآنیم تا به واکاوی سیره علمی و عملی و شئون اجتماعی آن حضرت با تکیه بر تحلیل گفتمان روایی و نقش آفرینی آن در بیداری امت از آن زمان تا عصر حاضر پردازیم.

۱. هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران، ۱۶۷)

۱-۲. جایگاه ادعیه و روایات اخلاقی تربیتی رضوی در زندگی

خداوند عزّ و جل، تربیت هر موجودی را خود، عهده‌دار شده و تمامی مخلوقات را با طبیعت‌های مختلف‌شان، به‌سوی کمال مطلق خود پیش می‌برد و فیض خویش را به‌قدر استعداد و به‌فراخور حال آنان به‌سوی‌شان سرازیر می‌کند، اما در خصوص انسان بر او منت گذاشته و قسمتی از کار خود در تربیت را به او واگذار و انسان را در انتخاب خیر و شرّ، مختار کرده است: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* (انسان، ۳). خداوند متعال، همچنین نعمت‌های بی‌شمار خود را برای بشریت با کتاب‌های آسمانی به‌همراه پیامبران الهی تکمیل می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: *هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ* (جمعه، ۲).^۲ قرآن کریم در تنمّه بحث عقل، از مکارم اخلاقی سخن به‌میان آورده است و از تعلیم و تزکیه به‌عنوان فلسفه بعثت پیامبران یاد می‌کند. «وَأِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۳ (مجلسی، ج ۱۶: ۲۰۱). آیه ۱۲۹ از سوره شریفه بقره به این مفهوم اشاره دارد: *رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ*.

سخنان گهربار ائمه اطهار (علیهم‌السلام) پس از قرآن کریم، گران‌قدرترین میراث دین مبین اسلام برای سعادت دنیوی و اخروی است. این محتوای غنی و هویت‌بخش، قابلیت آن را دارد که در حوزه‌های مختلف علوم بشری استفاده و به‌عنوان مبنایی برای مطالعات بنیادین و کاربردی، به‌ویژه در توسعه و ترویج سبک زندگی اسلامی و الگوهای تربیتی در نظام‌های آموزشی در نظر گرفته شود. برخی، سبک زندگی را تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به‌تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ موجود و شناساندن آن به دیگران تعریف کرده و برخی دیگر آن را به کلیت زندگی و همه فرایندهای عمومی و خصوصی آن تطبیق داده‌اند (Adler, 1956:32)، اما آنچه در این میان شایسته تأمل است،

۱. ما راه را به او نشان دادیم. خواه شاکر باشد خواه ناسپاس.

۲. اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات را بر آنان بخواند و آنان را از آلودگی‌های فکری و روحی پاکشان کند به آنان قرآن و حکمت بیاموزد.

۳. همانا من فقط برای کامل کردن خصلت‌های پسندیده اخلاقی مبعوث شدم.

۴. پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنان بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و از آلودگی‌های ظاهری و باطنی پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی.

برگزیدن سبک‌های مختلف برای زندگی است که گاهی باعث بروز الگوهای رفتاری مخرب و به‌دنبال آن آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار می‌شود.

زبان ادعیه در بردارنده حاصل تمامی این مشرب‌ها و روش‌هاست، چراکه در دعا هم به نتیجه اخروی و ثواب و عقاب مترتب بر اخلاق و رفتار اشاره و هم به عنصر محبت، انس با خدا، توجه به معرفت نفس و عرفان الهی و نیز به حُسن و قبح افعال و همچنین به آثار اجتماعی و نتایج بار آمده از آن در زندگی دنیا، توجه می‌شود. با این ترکیب، سالک را با قدرتی تمام، به سوی فضیلت‌ها سوق می‌دهد و از پلیدی‌ها دور نگه می‌دارد. ارزش و اهمیت این متون را می‌توان از جنبه آموزشی بودن آن‌ها جست‌وجو کرد. چراکه این ادعیه‌ها و روایات بیش از آن‌که جنبه دعایی داشته باشد، جنبه آموزشی و تربیتی داشته و آن امام همام تلاش کرده تا ضمن استفاده از ابزار تبلیغاتی دعا، مفاهیم مهمی را به مردم و جامعه اسلامی القا کند.

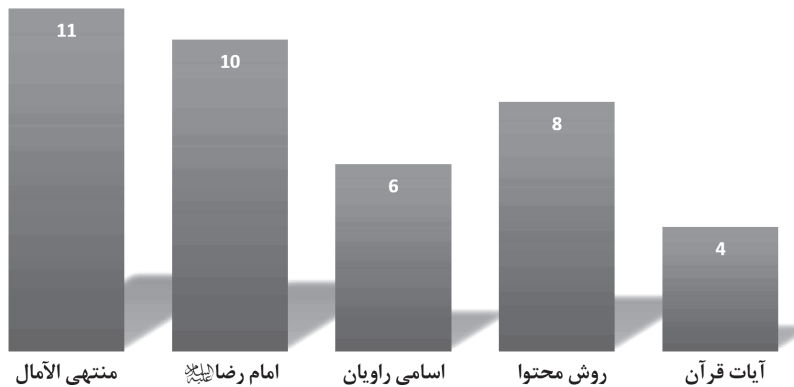
سبک زندگی به عنوان تجلی عینی اندیشه‌ها و عقاید، تأثیر فراوانی نیز بر عقاید و اندیشه‌ها و به خصوص صفات انسانی دارد و از این‌رو، شکل‌گیری خلق و خو و نگرش‌ها عموماً متأثر از سبک زندگی است. در طول سال‌های متمادی به‌دنبال پدیده جهانی شدن، سیل افکار و اندیشه‌های متناقض و گاه مخرب غربی به گونه‌ای لجام‌گسیخته و ناهنجار، وارد جوامع اسلامی شده و در مواردی زمینه انحراف جوامع را فراهم آورده است. از آنجا که سبک زندگی اسلامی دارای مراتب مختلفی از هنجارها، بینش‌ها و قابلیت‌هایی است و تمسک بدان‌ها در حقیقت زمینه‌ساز سعادت بشر را فراهم می‌کند، به میزان توانایی فرد در تأمل و تعمق در فهم این معارف والا، سطح سبک زندگی آنان ترقی پیدا می‌کند و کاهش این سطح بیانگر نداشتن توانایی فرد در فهم معارف و برخورداری از مواهب این نعمت^۱ بزرگ است. در تکمیل این دعوی باید گفت: این ادعیه به توسل به اهل بیت نیز بسیار سفارش شده و به‌دفعات بر استجاب دعا در ضمن استجاب دعای ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز اشاره شده است. بدیهی است همه این امور با رویکرد و هدفی تربیتی در ادعیه آن امام همام جای گرفته است.

۱. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِيْمِمْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده، ۳).

۲-۲. فراوانی کلمات

منظور از فراوانی کلمات در این مبحث همان کلیدواژه‌های مفهوم‌ساز است. در این روش عمدتاً واژه‌هایی که بیشترین بسامد را در روایات داشته‌اند همچون یک مفهوم مشترک در قالب نمودار جای داده می‌شوند. نمودار میله‌ای بیشترین کلمات استفاده شده در روایات رضوی در این مقاله به شکل زیر است:

فراوانی واژگان کلیدی در روایات رضوی



شکل ۱: نمودار فراوانی واژگان کلیدی در روایات رضوی

۲-۳. تکنیک پژوهش به شیوه تحلیل محتوا

یکی از روش‌های نوین و نظام‌مند در مواجهه با متون روایی، روش «تحلیل محتوا» است که کاربست آن در متون دینی، گامی نوین محسوب می‌شود. اندیشمندان حوزه تحلیل محتوا، آن را فنی دانسته‌اند که به کمک آن، می‌توان ویژگی‌های خاص پیام را به‌طور نظام‌یافته یا عینی، شناسایی کرد (رک. باردن، ۱۳۷۵: ۱۴). به گفته کریپندورف تحلیل محتوا، روشی استنباطی است که به‌صورت منظم و عینی، به‌منظور تعیین ویژگی‌های پیام، به کار برده می‌شود. در این روش، پیام‌ها به‌صورت منظم، کدگذاری و

به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شود که پژوهشگر بتواند آن‌ها را به صورت کمی، تجزیه و تحلیل کند (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۸).

محور اصلی پژوهش، تجزیه و تحلیل روایات امام رضا (علیه السلام) در کتاب منتهی‌الآمال به روش تحلیل محتواست. استفاده از این روش، گویای این حقیقت است که امام این مفاهیم را در قالبی منسجم و دقیق بیان کرده است. از این رو، می‌تواند به صورت مدلی کاملاً منطقی برای بهبود روابط انسانی مورد توجه قرار گیرد.

این روش، قابلیت دارد که پژوهشگران، بدون هیچ پیش‌داوری در متون حدیثی، به تحلیل خالص متن بپردازند. نمودار فراوانی روایات رضوی ارائه شده از راویان در جدول زیر نمایان است:

ردیف	موضوع	فراوانی
۱	مرحوم کلینی	۱۹
۲	علامه مجلسی	۱۷
۳	ابن بابویه	۱۷
۴	ابن شهر آشوب	۱۵
۵	طبرسی	۱۳
۶	ربان بن صلت	۹
۷	محمد بن فحص	۶
۸	دیگر راویان	۴

شکل ۲: درصد فراوانی راویان در باب روایات رضوی

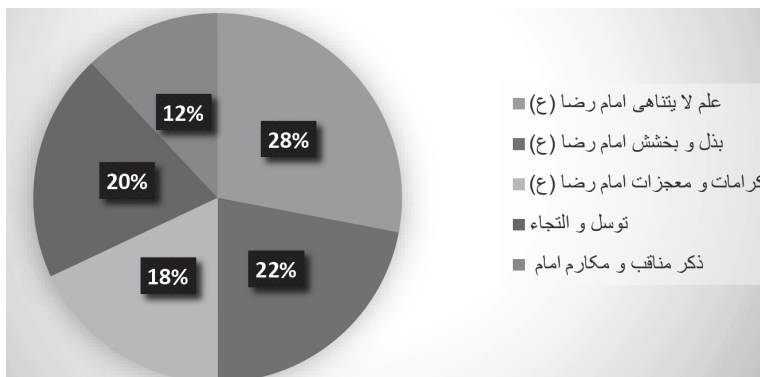
در ادامه به مقوله‌بندی این روش در روایات رضوی منتخب در کتاب منتهی‌الآمال می‌پردازیم:

۴-۲. مقوله‌بندی روایت‌های رضوی در کتاب منتهی‌الآمال (تحلیل کیفی و توصیفی)

چنان‌که مطرح شد، در این مقاله برای تبیین دقیق مؤلفه‌های به‌کار رفته در روایت‌های رضوی ارائه شده در کتاب منتهی‌الآمال، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در ابتدا به معرفی این روش و انواع فنون ادبی آن و در نهایت با بیان ادله عقلانی، به بیان روش مناسب برای انجام این مهم می‌پردازیم.

از آنجا که امروزه روش‌های تحلیل متن در فهم معنای اساسی متون کاربرد زیادی پیدا کرده و از دیرباز نیز در تفسیر کتب مقدس استفاده شده است، به نظر می‌رسد چنین روش‌هایی به‌ویژه روش تحلیل محتوا بتواند در تفسیر متون دینی و حدیثی که عمدتاً دارای معانی بلندی هستند و نیاز به مطالعه عمیق دارند، مفید باشد (مطبع و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۲). در این روش، تحلیل محتوای فرایند نظام‌مند شناسایی، طبقه‌بندی، تبیین، تفسیر، استنباط، استخراج بررسی می‌شود. افزون بر آن، در این روش «به دلیل توجه به عناصر فیزیکی و نیز پیام‌های مستتر و نهفته در متن، از دو رویکرد سطحی و عمقی استفاده می‌شود» (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۹). تحلیل محتوا در حقیقت، تکنیکی کارآمد برای توصیف عینی و منظم و آشکار پدیده‌ها به‌شمار می‌آید.

جستار حاضر، با بهره‌گیری از این روش در سه سطح کمی، کیفی، و توصیفی و ترسیم نمودارهایی چند به تبیین فراوانی مضامین رضوی موجود در کتاب منتهی‌الآمال می‌پردازد.



شکل ۳: نمودار فراوانی مضامین رضوی

در ادامه، عمده‌ترین مضامین رضوی در این روایات را در چند محور به بحث می‌گذاریم.

۲-۴-۱. ذکر مناقب، مفاخر و مکارم حضرت ثامن الحجج (علیه السلام)

فضایل و مناقب امام رضا (علیه السلام) به خاطر فراوانی که دارد بر هیچ کس پوشیده نیست؛ در حقیقت شمارش فضایل ایشان مانند شمارش ستارگان آسمان امری غیر ممکن است. ابونؤاس شاعر معروف عباسی، مقابل هارون الرشید و مأمون عباسی، امام رضا (علیه السلام) را در ابیاتی این‌گونه توصیف می‌کند:

- | | |
|--|--|
| ۱. قِيلَ لِي أَنْتَ أَوْحَدُ النَّاسِ طُرًّا | فِي عُلُومِ الْوَرَى وَ شِعْرِ الْبَدِيهِ |
| ۲. لَكَ مِنْ جَوْهَرِ الْكَلَامِ نِظَامٌ | يُثْمِرُ الدَّرَّ فِي يَدَيِّ مُجْتَنِيهِ |
| ۳. فَعَلَى مَا تَرَكْتَ مَدَحَ ابْنِ مُوسَى | وَالْخِصَالَ الَّتِي تَجْمَعْنَ فِيهِ |
| ۴. قُلْتُ لَا أَسْتَطِيعُ مَدْحَ إِمَامٍ | كَانَ جَبْرِيْلُ خَادِمًا لِأَبِيهِ ^۱ |

(ابن خلکان، ۱۴۳۰ق، ج ۳: ۲۷۰)

در جای دیگر چنین آمده که روزی ابونؤاس، در حالی که از نزد مأمون آمده بود، خدمت امام رضا (علیه السلام) آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا، شعری در مدح شما سروده‌ام. دوست دارم آن را بشنوی. امام فرمود: بخوان. ابونؤاس چنین آورد:

- | | |
|---|--|
| ۱. مُطَهَّرُونَ نَقِيَّاتٍ ثِيَابِهِمْ | تَجْرِي الصَّلَاةُ عَلَيْهِمْ أَيْنَمَا ذُكِرُوا |
| ۲. مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَوِيًّا تَنَسِبُهُ | فَمَا لَهُ فِي قِيَمِ الدَّهْرِ مُفْتَحِرٌ |
| ۳. وَأَنْتُمْ الْمَلَأُ الْأَعْلَى وَعِنْدَكُمْ | عِلْمُ الْكِتَابِ وَمَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ ^۲ |

(حموی جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۲۰۱)

۱. به من گفته شد که تو در علم و شاعری یگانه هستی. ۲. و از اصالت و گوهر کلام چیزی را داری که شنونده از آن در برمی‌گیرد. ۳. با وجود این چرا مدح علی بن موسی و صفات برجسته او را نمی‌کنی؟ ۴. گفتم من نمی‌توانم مدح امامی را بگویم که جبرئیل، خادم پدرش بوده است.

۲. امامان معصوم، پاکیزگان و پاکدامنان هستند که هرگاه نامی از ایشان به میان آید، بر آنها درود و تحیت فرستاده خواهد شد. ۲. کسی که انتسابش به سلالة پاک علی (علیه السلام) نرسد، در روزگاران دارای مجد و افتخار نیست. ۳. به راستی که شما در جایگاه بلند قرار دارید و علم کتاب [قرآن] و محتوای سوره‌های آن نزد شماست.

ابن بابویه به استناد به سند معتبر روایت کرده که دعبل خزاعی بر امام رضا (علیه السلام) در مرو وارد شد و عرض کرد: یا بن رسول الله! من قصیده‌ای برای شما گفته‌ام و قسم خورده‌ام که قبل از شما برای کسی نخوانم. حضرت فرمود: بیار آن را. پس خواند قصیده «مدارس آیات» تا رسید به این بیت:

أُزِي فَيَتَّهِمُ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا وَأَيَّدِيهِمْ مِمَّنْ فَيُئِيهِمْ صَفِرَاتٍ^۱

(دعبل خزاعی، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م: ۲۳۱)

حضرت گریست و فرمود: راست گفتی ای خزاعی! پس چون رسید به این بیت:

إِذَا وَتَرَوْا مَدُّوْا إِلَى أَهْلِ وَتَرِهِمْ أَكْفَاءً عَنِ الْأَوْتَارِ مُنْقَبِضَاتٍ^۲

(همان)

حضرت فرمود: بلی والله مقبضات و چون رسید به این بیت:

لَقَدْ حَقَّتْ أَيَّامِ حَوْلِي بِشَرِّهَا وَإِنِّي لِأَرْجُو الْأَمْنَ بَعْدَ وَفَاتِي^۳

(همان)

حضرت فرمود: ایمن گرداند خدا تو را از روز فزع اکبر. چون رسید به این بیت:

وَقَبْرٌ بِبَغْدَادٍ لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ تَضَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْغُرَفَاتِ^۴

(همان)

حضرت فرمود آیا ملحق نکنم به این موضع از قصیده تو دو بیتتی که تمام قصیده تو به آن خواهد بود؟ عرض کرد: ملحق فرما یا بن رسول الله.

۱. می‌بینید که میرانشان در دست دیگران پراکنده شده است، حال آنکه دست خودشان از همه چیز خالی است.

۲. آن‌گاه که مورد ظلم و ستم و انتقام جویی واقع شوند، دست‌های خود را برای دفاع از خود دراز می‌کنند حال آنکه از انتقام جویی بیزارند.

۳. همانا از روزگار و تلاش و کوشش آن هراسناک بودم. لذا امنیت پس از مرگ [او در قیامت] را آرزو می‌کنم.

۴. قبری در بغداد (قبر امام موسی کاظم) که متعلق به روحی پاک و مطهر است که خداوند آن را در در بهشت قرار دهد.

۱. وَ قَبْرٍ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ أَلَحَّتْ عَلَيَّ أَحْشَاءُ بِالزَّفَرَاتِ
 ۲. إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا يُفْرَجُ فِيهَا الْهَمُّ وَالْكَرْبَاتِ^۱

(همان)

دعبل گفت: یابن رسول الله! این قبری که فرمودید به طوس است قبر کیست؟! حضرت فرمودند: قبر من است و ایام و لیالی منقضی نمی شود تا آنکه می گردد طوس محل رفت و آمد شیعه زوار من، آگاه باش هر که زیارت کند من را در غربت من به طوس خواهد بود با من در درجه من روز قیامت آمرزیده باشد (قمی، ۱۳۷۹: ۸۹۱-۸۹۲).

علامه مجلسی در جلاء العیون در احوالات امام رضا (علیه السلام) چنین آورده است: «اسم شریف آن حضرت علی و کنیت آن ابوالحسن و مشهورترین القاب آن حضرت رضا است و صابر و فاضل و رضی و وفی و قره اعین المؤمنین و غیظ الملحدین نیز می گفتند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۴).

فضایل و مناقب حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نه چندان است که در حیز بیان آید و یا کس احصای آن تواند و فی الحقیقه فضایل آن جناب را احصا نمودن ستارگان آسمان شمردن است (قمی، ۱۳۷۹: ۸۲۹). ایشان از بدو ورودشان به نیشابور بین مردم مشتاق به اهل بیت (علیهم السلام)، در حدیث سلسله الذهب، کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را دژ محکمی دانست که هرکس واردش شود، از عذاب ایمن است و پذیرش ولایت خود را یکی از شروط داخل شدن به این حصن دانست: «عَنِ الرَّضَاءِ مِنْ آيَاتِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ۲۵). «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دژ من است، پس هرکس که در دژ من درآید از عذابم در امان است. [البته] با شرایط اش و من جزو شرایط آنم.

۱. قبری در طوس است وای از آن مصیبت که تا قیامت آتش حسرت و ناله‌های جانسوز در وجود من می‌افزاید. ۲. تا روز حشر تا روزی که حق تعالی برانگیزد و ظاهر گرداند قائمی را که فرج می‌دهد و غم‌ها را از ما می‌زداید.

۲-۴-۲. علم لایتناهی امام رضا (علیه السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) چشمه‌های جوشان معارف الهی و ابرهای رحمت و محبت الهی بر مؤمنین اند. آشنایی با ابعاد گوناگون شخصیت و زندگی این رهبران الهی، بهترین توشه سالکان راه حقیقت و پاکبازان طریقت سعادت و کمال است و هرکس در جست‌وجوی راستی و درستی، اخلاص و ایثار و هدایت و حق است، چاره‌ای جز زانو زدن در پیشگاه این فرزندگان پاک و خزانه‌داران علم الهی ندارد» (استعلامی، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۴). امام باقر (علیه السلام) در اهمیّت منحصر بودن دانش درست در نزد اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند: «شَرِّقًا أَوْ غَرِّبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کلینی، ۱۳۷۷ ق، ج ۱: ۳۹۹).^۱ امام رضا (علیه السلام) در بزرگداشت دانایی در ذیل روایتی می‌فرماید: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۴۴۳؛ قمی، ۱۳۵۰ ق: ۸۴۹)^۲ امام علی (علیه السلام) نیز در روایتی ذیل آیه: «أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن، ۱۶)^۳ می‌فرماید: «لَأَذْفَنَاهُمْ عِلْمًا كَثِيرًا يَتَعَلَّمُونَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ» (استرآبادی، ۱۴۰۹ ق: ۷۰۴)^۴، خدای متعال در قرآن می‌فرماید: «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ (انبیاء، ۳۰)؛^۵ اگر کسی به علم الامام رسید، به حیات طیبه می‌رسد؛ یعنی ما به او معرفت دادیم و او با کلام امام (علیه السلام)، به آب گوارا و حیات طیبه می‌رسد.

یکی از وظایفی که در بسیاری از روایات به آن تأکید شده، ذکر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت است. تشریح فضایل اهل بیت (علیهم السلام) بهترین راه اثبات حقایق اسلام و از بین بردن شبهات است. از جمله روایاتی که سیمای اهل بیت (علیهم السلام) در آن به‌وضوح تجلی یافته، زیارت جامعه کبیره است که در واقع توصیف بلند و بلیغی است از جنبه‌های عملی رفتار ائمه اطهار که از آن می‌توان به برپا داشتن عهد و میثاق و اصول و فروع دین، امر به معروف و نهی از منکر برای رشد و تعالی جامعه اسلامی، صیانت از شریعت

۱. اگر به شرق یا غرب عالم بروید، دانش صحیحی نمی‌یابید مگر آنچه از نزد ما اهل بیت بیرون می‌آید.

۲. دوست هر انسانی عقل او و دشمنش جهلش است.

۳. و اینکه اگر آن‌ها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.

۴. به آنان علم بسیاری را می‌چشانیم، علمی که آن را از ائمه (علیهم السلام) می‌آموزند. «علم امام ماء غدق، آب گوارا و سرچشمه حیات است.

۵. هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم.

اسلام از انحراف، برقراری آرامش در امت اسلامی و ... اشاره کرد که به بهترین وجه بیان شده است. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَحُزْنِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأَصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأَمِّ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَزْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعَثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۶۰۹).^۱

همچنین در این آیه: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران، ۷) که در اینجا عبارت «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» مصداق بارز اهل بیت هستند.

از جمله صفات مهمی که همواره نصب‌العین شاعران شیعه بوده، پاکدامنی و عصمت ائمه (علیهم السلام) است. بر اساس آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب، اهل بیت (علیهم السلام) از هرگونه پلیدی و گناهی به دور و مصداق بارز این آیه هستند: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳).^۲ طبق این شریفه، می‌توان گفت منظور از «مطهرون» کسانی هستند که قلب آنان از تعلق به غیر حق تعالی خالی گشته و تمام سمت و سوی آن متوجه خداوند است. افزون بر آن، در کثرت علم آن حضرت شیخ طبرسی روایت کرده از ابوالصلت هروی، «ندیدم عالم‌تری از علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و ندید او را عالمی مگر آنکه شهادت داد به مثل آنچه من شهادت داده‌ام و به تحقیق که جمع کرد مأمون در

۱. سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت، محل نزول فرشتگان و وحی، کان رحمت حق و خزانه‌داران دانش، نهایت بردباری و بنیان‌های کرامت، پیشوایان امت‌ها و صاحبان نعمت‌ها، از کان بزرگواری و اساس و پایگاه خویان، سرپرست بندگان خدا و پایه‌های استوار شهرها، درهای ایمان و امین اسرار خدای رحمان، خلاصه دودمان پیامبران و برگزیده فرستادگان و خاندان پیامبر، برگزیده پروردگار جهانیان، رحمت خدا و برکات او بر شما باد.

۲. اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد بعضی از آیه‌ها محکمت‌اند، این آیه‌ها ام‌الکتاب‌اند و بعضی آیه‌ها متشابهات‌اند. اما آن‌ها که در دلشان میل به باطل است به سبب فتنه‌جویی و میل به تاویل از متشابهات پیروی می‌کنند، در حالی که تاویل آن را جز خدای نمی‌داند و آنان که قدم در دانش استوار کرده‌اند، می‌گویند: ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان پند نمی‌گیرند.

۳. خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

مجلس‌های متعدد جماعتی از علمای ادیان و فقها و متکلمین را تا با آن حضرت مناظره و تکلم کنند و آن حضرت بر تمام ایشان غلبه کرد و همگی اقرار کردند بر فضیلت او و قصور خودشان و شنیدیم از آن حضرت که می‌فرمود: من می‌نشستم در روضه منوره و علما در مدینه بسیار بودند و هرگاه از مسئله‌ای عاجز می‌شدند جمیعاً به من رجوع می‌دادند و مسائل مشکله خود را برای من می‌فرستادند و من جواب می‌گفتم. ابوالصّلت گفت و حدیث کرد مرا محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش که می‌گفت پدرم موسی بن جعفر علیه السلام با پسران خود می‌فرمود که ای اولاد من! برادر شما علی بن موسی علیه السلام عالم آل محمد است. از او سؤال کنید معالم دین خود را و حفظ کنید فرمایشات او را. همانا من شنیدم از پدرم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام که مکرر به من می‌گفت که عالم آل محمد علیه السلام در صلب تو است و ای کاش من او را درک می‌کردم، همانا او همانام امیرالمؤمنین علیه السلام است» (قمی، ۱۳۷۹: ۸۳۰).

«قال: ابو الحسن علیه السلام: لقد رایتُ رسولَ الله صلی الله علیه و آله فی المنام و امیرالمؤمنین علیه السلام معه، ثم وصفه (الامام الرضا علیه السلام) لی رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: علی ابنک الذی ینظر بنور الله، ویسمع بتفهیمه و ینطق بحکمته، یصیب ولا یخطئ، و یعلم ولا یجهل، قد ملی حکما و علما» (مجلسی، ج ۴۸: ۱۳).

۲-۳. بذل و بخشش امام رضا علیه السلام

از فضایل پیشوای هشتم، جود و بخشش بی حد و مرز بود. چنان که در سخاوت مشهور و در حقیقت، کعبه آمال مستمندان و بیچارگان بود. در مکتب ایشان بخل از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لا یَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ خَمْسٍ بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِیْثَارِ الدُّنْيَا عَلَی الْأَخْرَةِ.»

۱. امام کاظم علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را به همراه آن حضرت در خواب دیدم، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وی (امام رضا علیه السلام) را برای من توصیف کرد و فرمود: «علی علیه السلام پسر توست که با نور خدا می‌بیند و با تفهیمش می‌شنود و با حکمتش سخن می‌گوید، او راه راست می‌رود و اشتباه نمی‌کند، دانشمندی است که (علمش) به جهل نمی‌گراید و لبریز از بردباری و دانش شده است.

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۷۶-۲۷۸؛ طبرسی، ۱۳۸۵ ق: ۲۷۱).

در رهنمودی دیگر، امام رضا (علیه السلام) پرداخت نکردن زکات و خمس را، از موجبات دخول در آتش جهنم می‌داند: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ، وَ ذُو نَرْوَةٍ مِنَ الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ» (صحیفه الإمام الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۴۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۸).

ارزش و اهمیت جود و بخشش در مکتب والای اسلام تا آنجاست که خداوند متعال در قرآن کریم، از کلمه جود و بخشش در ذیل آیات، با این عنوان یاد می‌کند: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۶۱).^۳ نیز در آیه ۹۲ از شریفه آل عمران درباره ارزش انفاق از اموال محبوب این چنین می‌فرماید: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.^۴

در روایات منسوب به امام رضا (علیه السلام) از مفهوم والای بخشش به‌وفور استفاده شده است. شیخ عباس قمی از ابن شهر آشوب در مناقب روایتی را نقل کرده است. «آن حضرت در روز عرفه تمام مال خود را پخش کرد! فضل بن سهل گفت که این غرامت است. فرمود: بلکه غنیمت است. پس فرمود: غرامت نشمر البته چیزی را که به آن طلب می‌کنی اجر و کرامت را انتها» (قمی، ۱۳۷۹: ۸۳۴).

ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز از آنجا که انسان کامل و تجلی‌گاه تمام صفات خداوندی هستند، جود و بخششی بی‌منتها دارند که کسی از فرزندان آدم نمی‌تواند همچون آنان باشد. امام رضا (علیه السلام) به‌عنوان امام معصوم دارای این ویژگی است. مجلسی از نمونه‌های بخشش آن حضرت این‌گونه نقل می‌کند: «روزی مردی خدمت امام رضا (علیه السلام) رسید و عرض کرد:

۱. دنیا جمع نمی‌شود مگر در سایه پنج خصلت: بخل زیاد، آرزوهای دراز، آزمندی چیره، ترک صلۀ رحم، دنیاپرستی و ترجیح دنیا بر آخرت.
۲. نخستین کسی که وارد آتش می‌شود، ثروتمندی است که حقوق مالی خود را ادا نکند.
۳. کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس که بخواهد دو یا چند برابر می‌کند و خداوند از نظر رحمت و قدرت وسیع و به همه چیز داناست.
۴. هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید و آنچه انفاق کنید خدا از آن آگاه است.

من از دوستان خاندان شما هستم. هم‌اکنون از سفر مکه بازمی‌گردم و پولم را گم کرده‌ام. در صورتی که شما کمکی به من بفرمایید، پس از بازگشت به وطنم آن مبلغ را از جانب شما صدقه خواهم داد» امام به اندرون رفت و پس از لحظاتی بازگشت و از بالای در، بدون آنکه در را بگشاید مبلغ ۲۰۰ دینار به او داد و فرمود: این مبلغ را بگیر و برای خود مبارک بدان و از طرف من صدقه مده و فوری بیرون رو که نه من تو را ببینم و نه تو مرا. پس از آن که سائل بیرون رفت، یکی از حاضران از سخنان و رفتار امام (علیه‌السلام) به شگفت آمده بود پرسید: با آن که مبلغ زیادی به وی دادید چرا خودتان را به او نشان ندادید؟ فرمود: برای آنکه نمی‌خواستم ذلت سؤال را در چهره او مشاهده کنم؛ مگر نشنیده‌ای که پیغمبر ﷺ فرمود: کسی که پنهانی انفاق کند معادل آن است که ۷۰ حج انجام داده باشد؟» (مجلسی، ج ۴۹: ۱۰۱). وی در ادامه شعری را از حضرت نقل می‌کند:

مَنِّي آتِهْ يَوْمًا أَطَالِبُ حَاجَةً رَجَعْتُ أَهْلِي وَوَجْهِي بِمَائِهِ^۱

(قمی، ۱۳۷۹: ۸۳۴)

۲-۴-۴. توسل و التجا

یکی دیگر از درون‌مایه‌های شعر رضوی، توسل به امام رضا (علیه‌السلام) و شفاعت خواستن از وی در روز قیامت است. چراکه برآوردن حاجات و نیازمندان از الطاف ائمه هدی بوده است و همواره بارگاه و تربت این بزرگواران، حلقه‌های اتصال به درگاه کبریایی قلمداد شده است و شاعران نیز این بزرگواران و حجّت‌های بالغه الهی را واسطه قرار می‌دهند و بر آن اعتقاد راسخ دارند. چراکه کلام آن بزرگوار است: «مرا شفاعت نکند احدی از شیعیانم که عارف به حقّ من باشد جز آنکه او را در روز قیامت شفاعت خواهم کرد» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ق: ۳۶۳). از امام رضا (علیه‌السلام) در بسیاری از اشعار به عنوان ضامن آهو یاد شده است:

امام پس از ورود به نیشابور، دستور ساخت حَمّام و حفر قنات و ساخت حوض آب را در

۱. [ممدوح من کسی است] که اگر روزی به حاجت نزد او روم و برگردم به سوی اهل خود و آبروی من به جای خود باقی است.

جوار مسجد صادر کردند که این مکان به گرمابه رضا (علیه السلام) شهرت یافت. در آنجا، ماده آهوایی [از دست شکارچی] به آن بزرگوار پناه آورد. به این مصرع از شعر ابن حماد شاعر توجه کنید:

الَّذِي لَادَبَهُ الظَّبْيَةُ وَالْقَوْمُ جُلُوسًا^۱

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۴۸)

از سید بن طاووس روایت شده که از یاسر خادم مأمون شنیدم: زمانی که وارد شد ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در قصر حمید بن قحطبه بیرون کرد لباس خود را و به حمید داد و حمید نیز به جاریه داد و گفت که بشوید. پس نگذشت زمانی که آن جاریه آمد و با او رقعهای بود و به حمید گفت یافتم این رقعها را در گریبان لباس ابوالحسن (علیه السلام) پس حمید به آن حضرت عرض کرد: فدای تو گردم! به درستی که این جاریه یافته است رقعهای در گریبان پیراهن تو، چیست آن؟ فرمود تعویذی است که آن را از خود دور نمی‌کنم. حمید گفت: ممکن است ما را مشرف کنی به آن؟ پس فرمود: که این تعویذی است که هر که نگاه دارد در گریبان خود، دفع می‌شود بلا از او و می‌باشد برای او حرزی از شیطان رجیم. و خواند تعویذ را بر حمید و آن این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ
أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَبَصْرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيَّ وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا
عَلَى بَصْرِي وَلَا عَلَى شَعْرِي وَلَا عَلَى بَشْرِي وَلَا عَلَى لَحْمِي وَلَا عَلَى دَمِي وَلَا عَلَى مَخِي وَلَا
عَلَى عَصْبِي وَلَا عَلَى عِظَامِي وَلَا عَلَى مَالِي وَلَا عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
بِسِتْرِ النَّبُوءَةِ الَّتِي اسْتَتَرَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاغَةِ جَبْرَتِيْلُ عَنْ يَمِينِي وَ
مِكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وِرَائِي وَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامِي وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ
عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَا تَاكَ أَنْ يَسْتَفْرِّزَنِي وَيَسْتَخْفِنِي

۱. کسی که آهو بدو پناه برد، درحالی که مردم نشسته بودند.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التُّجَاتُ» (قمی، ۱۳۷۹: ۴۵۷).^۱

ابن شهرآشوب همچین نقل می‌کند توسل جستن به حضرت رضا (علیه السلام) برای سلامتی در سفر برّ و بحر و رسیدن به وطن و خلاصی از اندوه و غم غربت نافع است و گذشت در کلام حضرت صادق (علیه السلام) که تعبیر فرموده از آن حضرت به (دادرس و فریادرس امت) آمده است. به طوری که در زیارت آن حضرت چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ عَلَى غَوْثِ اللَّهِ فَإِنَّ وَمَنْ صَارَتْ بِهِ أَرْضُ خِرَاسَانَ»^۲ (همان: ۸۳۴).

امام رضا (علیه السلام)، از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده‌اند: هیچ‌گاه مهموم نشدم برای امری و تنگ نگشت بر من معاشم و مقابل نشدم با حریف شجاعی و این دعا را خواندم مگر آنکه خداوند هم و غم مرا برطرف کرد و روزی فرمود و مرا نصرت داد بر دشمنانم (همان: ۸۳۸).

«بِاللَّهِ أَسْتَفْتِيحُ، وَبِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ، اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُرُوقَهُ أَمْرِي كُلَّهُ، وَيَسِّرْ لِي صُعُوبَتَهُ، إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُنْبِتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۱: ۳۱۵؛ قمی، ۱۳۷۹: ۸۳۸).^۳

ابن شهرآشوب نقل کرده از موسی بن یسار که گفت من با حضرت امام رضا (علیه السلام) بودم و نزدیک شده بود آن حضرت به دیوارهای طوس که شنیدم صدای شیون و فغان، پس پی آن صدا رفتم ناگاه بر خوردیم به جنازه‌ای چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم سیدم پا از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد. پس خود را به

۱. به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا، من از تو به خدای رحمن پناه می‌برم اگر پرهیزگار باشی یا غیر پرهیزگار، بستم به خدا شنوای بینا گوش و دیده‌ات را، و را تسلطی بر من نیست و نه بر گوشم و نه بر چشمم و نه بر مویم و نه بر پوستم و نه بر گوشتم و نه بر خونم و نه بر مخم و نه بر عصبم و نه بر استخوانم و نه بر دارایی‌ام و نه بر آنچه پروردگارم نصیب نموده، پوشاندم بین خود و بین تو را به پوشش نبوت که پیامبران خود را به آن پوشانند، از حملات گردن‌کشان و فرعون‌ها، جبرئیل از جانب راستم و میکائیل از چپم و اسرافیل از پشت سرم، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش) از پیش رویم، خدا آگاه بر من است، تو را از من باز می‌دارد، شیطان را از من باز می‌دارد، خدایا نادانی‌اش بر بردباری‌ات غلبه نمی‌کند، تا آرامشم را برهم زند و سبکم شمارد، خدایا پناهنده به تو شدم، خدایا پناهنده به تو شدم.

۲. سلام بر فریادرس بیچارگان و کسی که به سبب او زمین خراسان محل خورشید گردید.

۳. به خدا افتتاح می‌کنم کار را و به وسیله خدا طلب می‌کنم موفقیت و رستگاری را و رسیدن به آنچه می‌خواهم را از خدا درخواست دارم و به واسطه محمد (صلی الله علیه و آله) به پیشگاه خداوند توجه می‌کنم. پروردگارا دشواری کار من و سختی آن را برای من آسان گردان، همانا که تو آن چه را که بخواهی محو کرده یا ثابت می‌گردانی، همانا که ام‌الکتاب در نزد توست.

آن جنازه چسبانید چنان که بره نوزاد خود را به مادر چسباند. پس رو کرد به من و فرمود: ای موسی سیار! هر که مشایعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون شود. مانند روزی که از مادر متولد شده که هیچ گناهی بر او نیست. چون جنازه را نزدیک قبر نهادند دیدم سید خود امام رضا (علیه السلام) را به طرف میت رفت و مردم را کنار کرد تا خود را به جنازه رسانید. پس دست خود را به سینه او نهاد و فرمود: ای فلان بن فلان! بشارت باد تو را به بهشت بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست. من عرض کردم: فدای تو شوم! آیا می‌شناسی این شخص میت را و حال آنکه به خدا سوگند که این بقعه زمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟ فرمود: ای موسی! آیا ندانستی که بر ما گروه ائمه عرضه می‌شود، اعمال شیعه ما در هر صبح و هر شام. پس اگر تقصیری در اعمال ایشان دیدیم از خدا می‌خواهیم که عفو کند از او و اگر کار خوب از او دیدیم از خدا مسئلت می‌نماییم شکر، یعنی پاداش از برای او (همان: ۸۳۴-۸۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۲۷).

۲-۴-۵. رحمت و کرامات امام رضا (علیه السلام)

یکی از ویژگی‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) به‌عنوان حاملان وحی و میراث‌دار دین مبین اسلام این است که «کلام ایشان همانند قرآن دارای ظاهر و باطن بوده و گاه ممکن است این بواطن تا چندین لایه درونی داشته باشد» (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۵۳). امام علی (علیه السلام) در این باره چنین فرموده‌اند: «ظاهر قرآن، عملی واجب و باطنش، علمی نهفته و در پرده است، ولی در نزد ما معلوم بوده و نوشته شده است» (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۷۴-۷۳). علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابو عبدالله برقی روایت کرده از پدرش از احمد بن ابی عبدالله از پدرش از حسین بن موسی بن جعفر (علیه السلام) که گفت: ما در دور ابوالحسن رضا (علیه السلام) بودیم و ما جوانان بودیم از بنی هاشم که جعفر بن عمر علوی بر ما بگذشت و او هیئتی کهنه (جامه‌های کهنه) و طوری خراب داشت ما به یکدیگر نگاه کردیم و بخندیدیم از هیئت او، حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: عن قریب او را خواهید دید صاحب مال و تبع بسیار! پس نگذشت مگر یک ماه یا نحو آن که والی مدینه گشت و حالش نیکو شد پس

می گذشت بر ما و همراه او خواجه سرایان و حشم بودند. و این جعفر، جعفر بن محمد بن عمر بن الحسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین (علیه السلام) است (قمی، ۱۳۷۹: ۸۳۹).

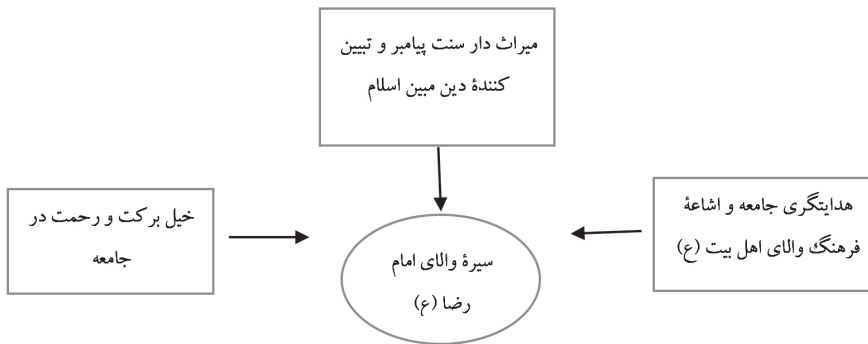
قطب راوندی از ابراهیم بن موسی قزاز بود. او روزی در مسجد رضا (علیه السلام) به خراسان گفت مبالغه کردم در سؤال و طلب چیز از حضرت امام رضا (علیه السلام) پس بیرون رفت آن حضرت به جهت استقبال بعضی از ابوطالب. پس وقت نماز آمد و آن حضرت میل کرد به سوی قصری که آنجا بود. پس فرود آمد در زیر سنگ بزرگی که نزدیک آن قصر بود و من با آن حضرت بودم و آن حضرت میل کرد به سوی قصری که آنجا بود. پس فرود آمد در زیر سنگ بزرگی که نزدیک آن قصر بود و من با آن حضرت بودم و نبود با ما ثالثی، پس فرمود اذان بگو. گفتم: درنگ کنید تا برسند به ما اصحاب ما، فرمود: بیامرزد خدا تو را و فرمود: «خَرَجَ الرَّضَا (علیه السلام) يَسْتَقْبِلُ بَعْضَ الطَّالِبِينَ وَ جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، فَمَالَ إِلَى قَصْرِ هُنَاكَ فَتَزَلَّ تَحْتَ صَخْرَةٍ فَقَالَ: اُدْنُ، فَقُلْتُ: نَنْتَظِرُ يَلْحَقُ بِنَا أَصْحَابُنَا، فَقَالَ: غَفَرَ اللَّهُ لَكَ، لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةً عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، عَلَيْكَ أَبَدًا بِأَوَّلِ الْوَقْتِ، فَأَذْنْتُ وَ صَلَّيْنَا» (قمی، ۱۳۷۹: ۸۴۷).^۱ پس گفتم: یا بن رسول الله! به تحقیق که طول کشید مدت در آن و وعده ای که به من دادی و من محتاجم و شغل شما بسیار است و من ممکنم نمی شود هر وقتی که از شما سؤال کنم. راوی گفت: پس آن حضرت زمین را با تازیانه خود به نحو شدید و سختی خراشید و به آن موضع که کنده شده بود، دست برد. پس شمشوی طلا بیرون آورد و فرمود: بگیر این را خداوند برکت دهد و به تو در آن و انتفاع ببر به آن و کتمان کن آنچه را که دیدی. راوی گفت: خداوند متعال برکت داد به من در آن تا آنکه خریدم در خراسان چیزی که قیمتش ۷۰ هزار اشرفی بود و غنی ترین مردمی که امثال خودم بودند در آنجا گردیدم (همان).

«از ریان بن الصلت روایت شده است که گفت: وقتی که اراده عراق کردم و عزم وداع حضرت امام رضا (علیه السلام) داشتم و در خاطر خود گفتم چون او را وداع کنم از پیراهنی از جامه های تنش بخواهم تا مرا در آن دفن کنند و درهمی چند بخواهم از مال که برای

۱. تأخیر نینداز نماز را از وقتش به آخر و قش بدون علتی بر تو، ابتدا کن به وقت اول، پس من اذان گفتم و نماز خواندیم

دخترانم انگشترها بسازم، چون او را وداع کردم گریه و اندوه از فراغ او غلبه کرد و من فراموش کردم که آن‌ها را بخواهم. چون بیرون آمدم آواز داد مرا یا ریان! بازگرد، بازگشتم. به من گفت: آیا دوست نمی‌داری که درهمی چند تو را دهم تا برای دختران خود انگشترها سازی؟ گفتم: یا سیدی! در خاطر من بود که از تو بخواهم، اندوه فراق تو بازداشت مرا. پس بلند کرد وساده را و پیراهنی بیرون آورد و به من داد و بلند کرد جانب مصلی را و درهمی چند بیرون آورد و به من داد. شمردم سی درهم بود، (همان: ۸۴۰).

به‌طور کلی، مهم‌ترین مکارم اخلاقی امام رضا (علیه السلام) را می‌توان در سه محور کلی دسته‌بندی کرد:



شکل ۴: مدل ذهنی مقوله روایات رضوی

۳. نتیجه‌گیری

در تحلیل محتوای کیفی، از مجموع ۵۴ روایت مستخرج از روایات بررسی شده در این پژوهش، ۵ مقوله با عنوان ذکر مناقب و فضایل امام رضا (علیه السلام)؛ بذل و بخشش؛ خیل رحمت، کرامات و معجزات؛ علم لایتناهی؛ توسل و التجا که بیشترین بسامد را در این روایات داشتند، دسته‌بندی شد.

نتایج تحلیل این روایات بیانگر آن است این متون جنبه آموزشی داشته است. از آنجا

که ذکر این ۵۴ روایت در حوصله مقاله نمی‌گنجد، ما تنها به ذکر مهم‌ترین روایاتی که آموزه‌های رضوی در آن نمود بیشتری داشته و به عبارتی تکرار این مضامین است، اکتفا کرده‌ایم، اما مهم‌ترین دستاورد پژوهش ما، این است که تعالیم و آموزه‌های رضوی در فرهنگ ایرانی بازتاب چشمگیری داشته، چراکه برای هر مفهوم استخراج شده از روایات رضوی، توانستیم حدیث و مضمونی از آموزه‌های گهربار رضوی یا آیه‌ای از قرآن بیاوریم. این بدان معناست که مختصات فکری نویسنده در راستای آموزه‌های اخلاقی اهل بیت علیهم‌السلام بوده که روح قالب اثر «منتهی‌الأمال» را تشکیل داده است. در تکمیل این مدعا باید گفت که لزوماً و صرفاً نمی‌توان ادعا کرد که تنها آموزه‌های امام رضا علیه‌السلام بر اندیشه نویسنده در خلق این اثر، مؤثر واقع شده، بلکه می‌توان مصادیقی از آموزه‌های قرآن و تعالیم ائمه را مطرح کرد که در بسط و بالندگی آن تأثیر بسزایی داشته است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم (۱۳۸۴). ترجمه محمد مهدی فولادوند. چاپ چهارم. تهران: دارالقرآن الکریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). عیون أخبار الرضا. تهران: مکتبه الصدوق.
- _____ (۱۴۰۹ق/ ۱۳۶۳). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- ابن خلکان، شمس الدین. (۱۴۳۰ق). وفيات الأعیان و أبناء الزمان. چاپ دوم. بیروت: دار الإحياء التراث الأدبی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۷۹). مناقب آل أبي طالب. قم: نشر علامه.
- استرآبادی، سید شرف الدین. (۱۴۰۹ق). تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. قم: جامعه مدرسین.
- استعلامی، محمود. (۱۳۷۸). سیره معصومان. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- یاردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ ابوجعفری، مهدی. (۱۳۷۶). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- جانی پور، محمد؛ سروری مجد، علی. (۱۳۹۳). «تبیین شیوه‌های تربیتی امام رضا (علیه السلام) در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی بر مبنای تحلیل محتوای دعا‌های صحیفه رضویه». فصلنامه فرهنگ رضوی. سال دوم. شماره هفتم. صص: ۵۴-۷۹.
- حائری، سید حسین. (۱۳۹۱). «دوره شکل‌گیری شیعیان دوازده امامی واکاوی نقدها و ابهام‌ها»، فصل نامه نقد و نظر. دوره ۱۷. شماره ۶۷. صص: ۱۴۱-۱۷۲.
- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۰۰ق). فرائد السمطین. بیروت: مؤسسه الحمودی.
- دعبل خزاعی (۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م). دیوان. شرحه و ضبطه و قدم له ضیاء حسن الأعلمی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- سبیحانی نیا، محمد. (۱۳۹۰). «آثار تربیتی و روان‌شناختی دعا». راه تربیت. سال ششم. شماره ۱۵. صص: ۴۴-۷۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۲). تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المکتبه الحیدریه.
- علی بن موسی (علیه السلام) (منسوب). (۱۴۰۶ق) صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام). تحقیق: محمد مهدی نجف. مشهد: کنگره امام رضا (علیه السلام).
- قمی، عباس. (۱۳۷۹). منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل. قم: نشر دلیل.
- _____ (۱۳۶۸). مفاتیح الجنان. مشهد: انتشارات هانف.
- کرپیندورف، کلوس. (۱۳۷۸). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: انتشارات روش.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷ق). الکافی. به کوشش علی اکبر غفاری. تهران: نشر اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). جلاء العیون. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- مطیع، مهدی؛ احمدنژاد، امیر؛ یمانی، مریم. (۱۳۸۴). «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا». دو فصلنامه مطالعات فهم حدیث. سال دوم. شماره ۱. صص: ۹۹-۱۳۱.
- معروفی، یحیی؛ یوسف‌زاده، محمدرضا. (۱۳۸۹). تحلیل محتوا در علوم انسانی. همدان: سپهر دانش.
- هندی، ل. بی و دیگران. (۱۳۸۳). اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان. مترجم: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملا نظر.

تهران: سازمان ملی جوانان.

- Adler, a (1956). The Individual psychology of Alfred Adler. Newyork: Basic Books Inc. American Heriage Dic.

منابع اینترنتی

- سیف محمدی، حجت. (۱۳۹۶). «تأثیر محیط و فرهنگ بر زن»، در سایت برگ‌چون به نشانی:
<https://www.bargejoon.com/zhen>.

تاریخ مشاهده: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸